روزنامه شرق

متولی پنهان بی‌کاری کدام نهاد است

«هدایت تحصیلی» فرصت یا معضل برای بازار کار

آموزش‌وپرورش سال گذشته، تابستان داغی را پشت سر گذراند. در جریان انتخاب رشته و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان چالش میان خانواده‌ها و وزارت آموزش‌وپرورش به قدری بالا گرفت که بحث به هیئت دولت و رئیس‌جمهور هم رسید و نهایتا سازمان بازرسی کل کشور نیز به مسئله ورود کرد. سرانجام هم با پادرمیانی شخص رئیس‌جمهور غائله ختم شد اما مسئله حل نشد و معضل هدایت تحصیلی دانش‌آموزان مانند آتش زیر خاکستر باقی ماند. امسال نیز زمزمه‌هایی از مدارس به گوش می‌رسد که نشان از نگرانی مجدد خانواده‌ها دارد.

ماجرا از آنجا شروع شد که آموزش‌وپرورش تصمیم گرفت بر اساس توسعه متوازن دانش‌آموزان در میان رشته‌ها، برای نخستین بار از پایه نهم، رشته تحصیلی خود را انتخاب کنند. در واقع دغدغه اصلی برای تغییر روش هدایت تحصیلی حل‌کردن معضل بی‌کاری در آینده بود اما نبود چشم‌انداز مشخص برای هدایت تحصیلی و تصمیم‌های لحظه‌ای، دانش‌آموزان را با چالش‌های بسیاری روبه‌رو کرد. مدت زیادی از اجرای این طرح نگذشته بود که اعتراض‌های بسیاری از سوی خانواده‌ها مبنی بر بالابودن معدل دانش‌آموزشان و نداشتن حق انتخاب برای رشته موردعلاقه‌اش منجر به جنجال بزرگی میان خانواده‌ها و آموزش‌وپرورش شد. مسئولان مربوطه با این توجیه که معدل تنها یکی از شاخص‌های موردنظر برای هدایت تحصیلی است و عوامل تأثیرگذار بسیاری وجود دارد، تشخیص را به مشاوران و معلم‌های مدارس واگذار کردند و آنها نیز طبق ضوابطی که برایشان تعریف شده بود، صرفا با دادن نمره‌هایی تعیین می‌کردند که چه دانش‌آموزی در چه رشته‌ای استعداد دارد. عجیب آنکه در این هدایت اجباری بخش عظیمی از دانش‌آموزان به سمت رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای سوق داده شدند درحالی‌که بعضا در شهر و محل سکونت دانش‌آموز مدرسه فنی‌وحرفه‌ای وجود نداشت تا دانش‌آموز در آن ثبت‌نام کند. درنهایت اعتراضاتی در برخی مناطق کشور ایجاد شد و عمده معترضان از اجبار آموزش‌وپرورش برای ثبت‌نام در رشته‌ای خاص (عمدتا فنی‌وحرفه‌ای و انسانی) گلایه داشتند.

محدودیت‌های اختیاری‌بودن هدایت تحصیلی

مسئله هدایت تحصیلی صرفا انتخاب رشته تحصیلی برای باسوادشدن دانش‌آموز نیست بلکه سرنوشت نسل آینده کشور را رقم می‌زند. حساسیت خانواده‌ها بر سرنوشت آینده دانش‌آموزشان نیز از روی نگرانی‌هایی است که برای آینده شغلی فرزندشان دارند. از خردادماه امسال زمان تعیین استعداد تحصیلی دانش‌آموزان از طریق انجام تست‌های استعدادیابی در سایت «همگام» آغاز شده است و دو هفته اول تیرماه کار اصلی هدایت تحصیلی آغاز می‌شود. با وجود اینکه وزارت آموزش‌وپرورش مدعی است تدوین آمایش شغلی کشور و تأمین استانداردهای لازم برای رشته فنی و مهارتی جزء اهداف تعریف‌شده‌اش برای جلب رضایت دانش‌آموزان و رغبت آنان برای ورود به این رشته‌هاست اما بسیاری از کارشناسان و مشاوران مدارس معتقدند هیچ‌چیزی نسبت به سال گذشته تغییر نکرده است. سرنوشت دانش‌آموزی که در مناطق دوردست تحصیل می‌کند، در گرو سه ساعت سرنوشت‌ساز است.

دانش‌آموزی که فرصت دسترسی به اینترنت را ندارد و ناگزیر است برای انجام تست رغبت و استعداد در سایتی که آموزش‌وپرورش مشخص کرده فرسنگ‌ها طی کند و اگر در آن ساعت با وجود حجم زیاد مراجعه‌کننده سایت باز شود و بتواند تعداد ۵۰۰ تست را در سه ساعت در فضای محدود کافی‌نت بزند و شانس هم بیاورد و تست‌ها نپرند، می‌تواند بخشی از امتیاز هدایت تحصیلی را کسب کند.

از محدودیت‌های دیگر انتخاب رشته دانش‌آموزان همین بس که وقتی کتاب هدایت تحصیلی و ثبت‌نام دانش‌آموزان پایه دهم ۹۶-۹۷ را ورق می‌زنیم، از پیش متناسب با محدودیت فضای آموزشی هر مدرسه مشخص شده چه تعداد دانش‌آموز در چه رشته‌ای باید تحصیل کنند.

یکی از اقدامات فوری دیگری که از آن به‌عنوان آماده‌سازی مقدماتی برای انتخاب رشته دانش‌آموزان یاد می‌شود، برگزاری هفته آشنایی با مشاغل است. درحالی‌که طبق سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش ۲۰ درصد محتوای کتاب‌های درسی تا قبل از سال دهم باید به معرفی مشاغل مختلف اختصاص داده شود اما نه‌تنها این مهم انجام نمی‌شود بلکه در طول سال‌های تحصیلی دانش‌آموزان برنامه عملیاتی تعریف‌شده‌ای برای آشنایی تدریجی دانش‌آموزان با مشاغل مختلف وجود ندارد.

جای آموزش‌های فنی در مدرسه نیست

این روزها آموزش‌وپرورش در حالی با تراکم تعداد دانش‌آموزان در رشته‌های نظری و به‌خصوص رشته تجربی، دست‌وپنجه نرم می‌کند که فضای جامعه با معضل بزرگ بی‌کاری تحصیل‌کرده‌های دانشگاه روبه‌روست. از سوی دیگر سال‌هاست که فضای تولید در جامعه به دلیل نبود نیروی ماهر و متخصص راکد مانده است. یکی از حلقه‌های مفقوده این زنجیره، نبود تقاضا برای رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای در بین دانش‌آموزان است. در حالی به سمت ایران ۱۴۰۰ می‌رویم که برنامه ششم توسعه پیش‌بینی سهم ۵۰درصدی رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاودانش از دانش‌آموزان متوسطه داشته است اما هر سال دریغ از سال گذشته.

آموزش‌وپرورش طبق همین قانون باید دانش‌آموزان را بین رشته‌های مختلف از جمله فنی‌وحرفه‌ای پخش کند اما مسئله اینجاست که رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاودانش هنوز جایگاه ضعیفی در نگاه خانواده‌ها و دانش‌آموزان دارند و دقیقا همین تعارض میان نگاه آموزش‌وپرورش و تقاضای اجتماعی، پاشنه آشیل وزارتخانه برای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان است.

تا زمانی که آموزش‌وپرورش بخواهد وضع موجود را حفظ کند، به سرانجامی نخواهد رسید. شاید وقت آن رسیده که با نگاه تمرکززدایی از ساختار وزارتخانه بخشی از کار را برون‌سپاری کنند. دانش‌آموزان حین خواندن رشته‌های نظری باید بخشی از فعالیتشان به آموزش درس‌های فنی‌وحرفه‌ای بگذرد اما نه درون مدرسه. باید آموزش فنی‌وحرفه‌ای دانش‌آموزان به مراکز متخصص فنی‌وحرفه‌ای فعالی که خارج از ساختار وزارت آموزش‌وپرورش مشغول به فعالیت هستند، سپرده شود. خرید خدمات فنی‌وحرفه‌ای از سوی آموزش‌وپرورش فرصت مغتنمی است تا کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی نیز خود آستینی بالا بزنند و برای آموزش نیروی انسانی موردنیاز خود با آموزش‌وپرورش همراهی کنند.

این روزها دانش‌آموزان پرورش‌یافته در سیستم آموزش‌وپرورش، در حال گذر از ماراتن کنکور هستند و جمع کثیری به امید آموزش مهارت‌های تخصصی، راهی آموزش عالی می‌شوند. در شرایطی که مهم‌ترین سال‌های شکل‌گیری مهارت‌ها و توانمندی‌ها زمانی است که فرد در مدرسه به تحصیل می‌پردازد، در هیچ ماده قانونی وظیفه آموزش‌وپرورش ایجاد شغل برای دانش‌آموز تعریف نمی‌شود. در هیچ کجا تعریف نشده که دانش‌آموزان تولید داشته باشند و منابع و درآمدی کسب کنند. تناقض در برنامه‌ریزی‌ها از جایی شروع می‌شود که مطابق تعریف قانون، سن کار زمانی است که همین فرد در نقش دانش‌آموز در حال کسب علم و شاید کمی مهارت است و این نشانه نقش پنهان آموزش‌وپرورش در افزایش بی‌کاری است.

مشکلات اساسی هدایت تحصیلی در نظام جدید چیست؟

طیبه موسوی
دبیر و پژوهشگر

همه شما از زمان کودکی با این سؤال برخورد داشته‌اید؛ «بزرگ شدی می‌خوای چه‌کاره بشی؟». انتخاب شغل آینده از اصلی‌ترین دغدغه‌های والدین از آغاز سن آموزش و دانش‌آموزان در سنین نوجوانی است. آموزش‌وپرورش به‌عنوان متولی اصلی امر آموزش در کشور همیشه سعی در هدایت صحیح تحصیلی دانش‌آموزان براساس رغبت و استعداد داشته است. در نظام پیشین در سال اول عمومی با توجه به آزمون‌های رغبت و استعداد و عملکرد تحصیلی و نظر دبیران و مشاور، انتخاب رشته صورت می‌گرفت. در نظام جدید انتخاب رشته یک سال به عقب رفت. انتخاب شاخه/رشته تحصیلی دانش‌آموزان، براساس ملاک‌هایی که در ماده ۱۰ آیین‌نامه هدایت تحصیلی مطرح شده است در پایان دوره اول متوسطه (پایه نهم) انجام می‌شود. این آیین‌نامه شامل دو دسته ملاک می‌شود: ۱- نمرات درسی مرتبط با رشته که ۳۵ امتیاز دارد و ۲- امتیازات مشاورها که ۶۵ امتیاز دارد. تست استعداد، ۱۵ امتیاز - تست رغبت تحصیلی و شغلی، ۱۵ امتیاز - نظر دبیران دروس مرتبط، ۱۰ امتیاز - نظر دانش‌آموز، ۱۰ امتیاز - نظر والدین دانش‌آموز، پنج امتیاز - نظر مشاور آموزشگاه، ۱۰ امتیاز که درمجموع ۶۵ امتیاز مشاور با امتیاز دروس روی هم صد امتیاز هدایت تحصیلی را تشکیل می‌دهد. این روش اگر مانند نظام قدیم در حد توصیه‌نامه بود و اجباری در پی نداشت مشکلی ایجاد نمی‌کرد. در سال اول اجرای این آیین‌نامه (۹۵-۹۴) ملاک نیازهای منطقه نیز به ملاک‌های فوق افزوده شد. به این منظور که دانش‌آموزان بیشتری در رشته‌های هنرستان و فنی‌وحرفه‌ای ادامه تحصیل داده و در آینده بی‌کار نباشند. برای هر دانش‌آموز ۱۲ رشته اولویت‌بندی می‌شد. سپس به هر مدرسه مثلا ۳۰ نفر سهمیه رشته تجربی داده می‌شد و دانش‌آموز سی‌ویکم دیگر نمی‌توانست در رشته تجربی ادامه تحصیل دهد. بنابراین اولویت‌ها بر این اساس شکل می‌گرفت. از سوی دیگر هر دانش‌آموز فقط مجاز بود تا اولویت سوم رشته انتخاب کند. بنابراین منطقه به هدفش می‌رسید و دانش‌آموزان در مدارس دولتی به سمت هنرستان و فنی‌وحرفه‌ای سوق داده می‌شدند، اما این طرح شکست خورد. نارضایتی شدید والدین و دانش‌آموزان منجر شد که نخست مدارس غیردولتی اولویت‌بندی را در حد توصیه و نه اجبار رعایت کنند و دانش‌آموز در هر رشته‌ای که علاقه‌مند است ثبت‌نام کند و بعد از شنیدن اعتراضات، مدارس دولتی نیز همین رویه را در پیش گرفتند. نکته دیگر اینکه در نظام قدیم، امکان تغییر رشته برای دانش‌آموز در سال‌های دوم و سوم دبیرستان وجود داشت. در نظام جدید این امکان برداشته شد. این اجبار هم به دلیل اعتراضات شدید لغو شد و در سال ۹۶-۹۵ به شکل سابق اجرا شد. از دیگر معضلات این روش در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ اجباری‌کردن انجام تست رغبت و استعداد در سایت «همگام» است. بنابر بخشنامه (ارسالی اسفند) در راستای هوشمندسازی، کلیه دانش‌آموزان پایه نهم در سراسر کشور این تست‌ها را که قبلا به صورت دستی انجام می‌دادند باید اینترنتی در سایت «همگام» طی دو روز وارد می‌کردند. این طرح مشکلات فراوانی داشت، ازجمله: عدم دسترسی همه خانواده‌ها به اینترنت آنلاین. سایت همگام سایتی است که قابلیت ذخیره این مقدار حجم اطلاعات را نداشت (پاسخ‌ها ذخیره نمی‌شد). دانش‌آموز حوصله یک‌ساعت‌ونیم پاسخ به ۳۱۹ تست استعداد و یک‌ساعت‌ونیم پاسخ به ۲۱۵ تست رغبت را نداشت. بار دیگر این طرح شتاب‌زده با شکست روبه‌رو و ورود اطلاعات چندین‌بار تمدید شد و اکنون تا آخر تیرماه ورود اطلاعات امکان‌پذیر شده است. اگر مسئولان یک‌بار به صورت پایلوت در یک منطقه این طرح‌ها را اجرا می‌کردند، این‌همه هزینه و نیرو هدر نمی‌رفت.

هدایت تحصیلی، کلافی که همه را به هم گره زد

عباس فرجی
کارشناس مشاوره

زنگ تفریح به صدا درآمد، دانش‌آموزان با عجله وارد دفتر مشاوره می‌شوند، هر کدام سعی می‌کند از دیگری سبقت بگیرد که سؤالش را زودتر مطرح کند. حمید دانش‌آموز بااستعداد و البته خیلی حساسی است، با نگرانی می‌گوید آقا به خدا این «سایت همگام» باز نمیشه، کوروش در تأیید سری تکان می‌دهد و می‌گوید آقا راست میگه ما هم هر کاری کردیم باز نشد. حسینی نگاهی به این دو می‌اندازد و اضافه می‌کند: آقا ما تمام سؤالات رو جواب دادیم ولی همش پرید. به خدا آقا دو ساعت طول کشید سؤال‌ها رو جواب بدیم و... . درحالی‌که بچه‌ها را به نشستن دعوت می‌کردم، گفتم بچه‌ها دقت کنید در ساعت پرترافیک برای ورود به سامانه «همگام» اقدام نکنید! هنوز در حال توضیح بودم که هم‌زمان چند نفر به طور مشترک پرسیدند، آقا مثلا چه ساعتی بریم بهتره؟ گفتم صبح یا شب، آخر وقت. محمدی دانش‌آموز کلاس ۵/۹ نگاهی به من انداخت و گفت آقا صبح که مدرسه هستیم و شب هم کافی‌نت بسته است. یکی از دانش‌آموزان از ته جمع بلند گفت: آقا ما چند بار رفتیم، سایت باز نمیشد ولی یه بار باز شد و همه سؤالات را جواب دادیم ولی از ترس اینکه سؤالات بپره همه رو سه جواب دادیم؛ آقا اشکال داره؟ هنوز دهانم را باز نکرده بودم که جوابش را بدهم که باز یکی از بچه‌ها گفت: آقا بابای ما تو وزارت آموزش‌وپرورش، میگه اینا همش الکیه؛ همه دانش‌آموزا باید هدایت تحصیلی بشن؛ حتی اگر هیچ کاری هم نکنیم مجبورن که هر رشته‌ای دلمون خواست ما رو بفرستن. این حرف نگاه همه را به خود جلب کرد و سکوتی در جمع به وجود آورد. بچه‌ها تازه نشسته بودند که جوابشان را از من بگیرند که زنگ خورد و معاون مدرسه آمد و گفت: بچه‌ها برید کلاس، الان معلم‌ها می‌رسن؛ آن وقت بود که یکی یکی از روی صندلی‌ها بلند شدند و از دفترم بیرون رفتند. من ماندم و من... و آن یک جواب درست و حسابی دانش‌آموزی که پدرش در وزارتخانه مشغول به کار است... بدجوری به من دهن‌کجی می‌کرد؛ اینکه اگر دانش‌آموزی کار هدایت تحصیلی برایش انجام نشود چه اتفاقی می‌افتد؟ سرم گیج می‌رفت. این روزها سر خیلی از همکاران مشاورم مثل من گیج می‌رود از بس که آموزش‌وپرورش همه ما را با کلاف هدایتش به هم گره زده است.

یادداشت

اهمیت استفاده از زبان مادری در آموزش

مهتاب یزدانی
مدیر مؤسسه آموزشی شعف

دوزبانگی پدیده‌ای است جهانی که در اکثر کشورهای جهان وجود دارد و عبارت از حالتی است که فرد به زبان دیگری غیر از زبان مادری خود آموزش می‌بیند.

زبان مادری اولین زبان آموخته‌شده از سوی فرد است؛ زبانی که فرد بدان تکلم می‌کند، با آن رشد می‌یابد و عناصر فرهنگی و اجتماعی محیط خود را به وسیله آن دریافته، لمس کرده و با آن هویت می‌یابد. اما در بسیاری از کشورها و ازجمله کشور ما، زمانی که کودک به سنی می‌رسد که باید تحت آموزش رسمی قرار گیرد، با زبانی غیر از زبان مادری خود و با زبانی که در سراسر کشور به‌عنوان زبان رسمی شناخته شده و از لحاظ نظام آوایی- واژگانی و دستوری متفاوت از زبان مادری اوست، آموزش می‌بیند و از این مرحله است که پدیده دوزبانگی مطرح می‌شود. بنابراین فرد دوزبانه به فردی اطلاق می‌شود که از زمان آغاز آموزش رسمی، با زبان دیگری که در کشور عمومیت یافته و در حکم زبان دوم است، آشنا شده و آموزش می‌بیند

از نظر روان‌شناسی، آموزش به زبان مادری سبب درک بهتر مطالب می‌شود و پیشرفت شناختی دانش‌آموزان را تأمین می‌کند. از نظر اجتماعی سبب جذب راحت‌تر کودک در محیط اجتماعی خود می‌شود و به‌عنوان یک عنصر اصلی فرهنگی، او را در ارتباط با گذشته فرهنگی خود قرار می‌دهد. از نظر عاطفی، استفاده از زبان مادری در آموزش دانش‌آموزان سبب تداوم در استفاده از نمادهای زبان‌شناختی می‌شود و به‌این‌ترتیب او را از گسستگی عاطفی ناشی از عدم استفاده از زبان مادری باز داشته، سبب بالارفتن کمیت و کیفیت ارتباطات درون‌مدرسه‌ای و درون‌کلاسی می‌شود و دانش‌آموزان را از ابزار اصلی تفکر یعنی ارتباط، برخوردار می‌کند.

دانش‌آموزان غیرفارسی‌زبان در بدو ورود به مدرسه، زبان مادری خود را که در یک فرایند پیچیده و در ارتباط مستقیم با محیط پیرامون خود فرا گرفته‌اند، در برنامه فارسی پیدا نمی‌کنند.

چون سازماندهی محتوا و انتقال برنامه درسی به دانش‌آموزان بر پایه زبان فارسی است که با مفاهیمی که براساس تجارب قبلی دانش‌آموز به زبان مادری حاصل شده است و برای او بار عاطفی نیز دارد، پیوند ندارد.

درحالی‌که ارتباط غیررسمی درون‌مدرسه‌ای می‌تواند خارج از کانال ارتباط رسمی به زبان مادری برقرار شود. این‌چنین گسستگی میان زبان مدرسه و زبان مادری دانش‌آموزان، ارتباط بر پایه انگیزه فردی را با دشواری مواجه می‌کند. تعارض بین مدار ارتباطی محیط اجتماعی خانوادگی دانش‌آموز و مدار ارتباطی رسمی مدرسه هم کیفی است و هم کمی.

کیفی است زیرا دانش‌آموز غیرفارسی‌زبان در برابر زبانی قرار می‌گیرد که حاصل مجموعه، ویژگی‌های فرهنگ زیستی و خاص او نیست.

کمی است زیرا از جنبه دستوری، واژگان و آواشناسی برای او ناآشناست. به عبارت دیگر بین زبان مدرسه و زبان دانش‌آموز شکاف پدید می‌آید.

برگی از یک سند

بازخوانی یک پژوهش

هوشنگ غلامی . کارشناس آموزش

در باب ضرورت و اهمیت حرکت بزرگ تهیه، تدوین و تولید سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش از ابعاد مختلف می‌توان سخن گفت. از جمله مهم‌ترین مسائل و دلایل مطرح در چرایی این طرح بزرگ، می‌توان به مطالبه مکرر و مؤکد تحول در آموزش‌وپرورش از سوی رهبر انقلاب، مقابله با بدفهمی‌های تاریخی آموزش‌وپرورش، ایجاد مصونیت در آموزش‌وپرورش و پیشگیری از مواجهه‌های سیاسی با آموزش‌وپرورش و نیاز جامعه فرهنگی کشور در تمام سطوح به خوش‌بینی توأم با واقع‌نگری اشاره کرد. تدوین سند ملی به‌لحاظ روش‌شناسی، پژوهش‌محور بود، به این معنا که در عوض اعتنای صرف به تجربه متراکم کارشناسان و صاحب‌نظران، رویکردی پژوهشی اختیار شد که البته چالش‌ها و دشواری‌هایی نیز به‌همراه داشت. در این راستا، کمیته‌های مطالعاتی ویژه‌ای با اعمال منطق حاکم بر مطالعات یا پژوهش‌های انجام‌شده تشکیل شد. کمیته مطالعات نظری، کمیته مطالعات مؤلفه‌های اصلی و کمیته مطالعات محیطی، سه کمیته‌ای بودند که مطالعات متعددی را در زمینه‌های مربوط به خود سامان دادند. یکی از نتایج تحقیق‌های انجام‌شده از سوی پژوهشگران در بخش کمیته مطالعات محیطی سند تحول را بررسی می‌کنیم. حاصل کار علمی و پژوهشی دکتر مقصود فراستخواه را با عنوان «بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش‌وپرورش کشور با نظر به محیط علمی و نظام آموزش عالی» که با همکاری حمید جاودانی، فاطمه توفیقی، حسین سمیعی و زهرا نوری انجام داده است، مورد بررسی و بازخوانی قرار می‌دهیم. مجری تحقیق در آغاز این پژوهش خود، خلاصه اجرائی کار خود را ارائه می‌دهد که در آن، مقوله‌ها و محورهایی چون واژگان کلیدی، مقدمه و بیان مسئله، پیشینه مباحث و چارچوب نظری، روش تحقیق و در بخش یافته‌ها نیز، تحولات جهانی علم و آموزش عالی، ساختار و نظام تصمیم‌گیری، ساختار سازمانی، برنامه‌ها و عملکرد و در نهایت بحث و نتیجه‌گیری را بیان و تشریح کرده است. درمجموع، نتایج و گزارش این کار پژوهشی در شش بخش و در ۲۳۹ صفحه تدوین شده، به نگارش درآمده و برای علاقه‌مندان ارائه شده است.

در بخش بیان مسئله پژوهش آمده است که تحولات پرشتاب و دامن‌گستر ساختاری که چه در مقیاس ملی و چه در سطح بین‌المللی و جهانی صورت می‌گیرد، موجب می‌شود که نظام آموزش‌وپرورش با چالش‌های جدی از حیث کارایی و اثربخشی مواجه شود. ایجاد این تغییرات محیطی و چالش‌های ناشی از آن، به اندازه‌ای است که نه‌تنها ایجاب می‌کند در وسایل نیل به اهداف تجدیدنظر شود، بلکه حتی ضرورت تعریف مجدد خود اهداف و مقاصد را به میان می‌آورد. در بخش طرح بیان مسئله، همچنین تأکید شده است که طرح سند ملی آموزش‌وپرورش در چشم‌انداز ۲۰ ساله از این رهگذر موضوعیت یافته است و در آن برای تعیین موقعیت راهبردی، روش تحلیلی نقاط ضعف و قوت نظام درونی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیط بیرونی انتخاب شده است. بخشی از این تحلیل، موکول به مطالعات محیط‌های بیرونی نظام آموزش‌وپرورش و شناسایی و تحلیل تهدیدها و فرصت‌های آن و چالش‌های ناشی از آن است و در سطحی از این محیط‌های بیرونی، محیط علمی و نظام آموزش عالی قرار دارد. این طرح پژوهشی به این بخش از مطالعات و تحلیل‌های محیطی آموزش‌وپرورش با هدف شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها به منظور بهره‌برداری از آن در تدوین سند، ناظر است. برای انجام این تحقیق سه سؤال از سوی مجریان کار مطرح و پیگیری شده است؛ پرسش اول این است که چه تحولات اساسی‌ای در محیط علمی و آموزش عالی در مقیاس بین‌المللی روی داده و می‌دهد و این تحولات چه فرصت‌ها و تهدیدهایی برای آموزش‌وپرورش کشور به وجود می‌آورند. سؤال دوم نیز این‌گونه مطرح شده است که روندهای اصلی و حساس جاری در محیط علمی و آموزش عالی ایران امروز دربرگیرنده چه دگرگونی‌های اساسی‌ای است و چه فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای آموزش‌وپرورش کشور به میان می‌آورد. پرسش سوم نیز این مسئله را مطرح کرده است که نظام علوم، تحقیقات و فناوری در کشور با آثار عملکردی خود در سطح سیاست‌گذاری، ساختار، مدیریت و کارکردها و به‌عنوان محیط متعامل بیرونی آموزش‌وپرورش، کدام فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای آن پدید می‌آورد. مقصود فراستخواه و همکارانش روش‌شناسی و نوع تحقیق خود را به صورت یک مطالعه سریع با روش فراتحلیل و استفاده از مطالعات اسنادی و میدانی صورت‌گرفته پیشین و تحلیل ثانوی اطلاعات و یافته‌های آن مطالعات عنوان کرده است که در آن بر تفسیر انتقادی و تأویل داده‌ها و برآمده‌های مطالعات قبلی با هدف به‌دست‌دادن فهرستی توصیفی- تحلیلی از فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی آموزش‌وپرورش در محدوده محیط علمی و آموزش عالی تأکید می‌شود. در بخش چارچوب نظری و مدل تحلیلی نیز با اشاره به اینکه نظام آموزش‌وپرورش به صورت سیستمی و پیچیده و در محیطی آشوب‌ناک عمل می‌کند و این سیستم آکنده از این محیط است، عنوان می‌کند: مطالعه حاضر یکی از زیرمجموعه‌های مطالعاتی است که برای استراتژی‌سازی در آموزش‌وپرورش صورت می‌پذیرد. در بخش پنجم از گزارش این پروژه تحقیقاتی که به بیان، بررسی و تحلیل وضعیت، تحولات و روندهای محیط علمی و نظام آموزش عالی اختصاص دارد، تحولات مفهومی و ساختاری علم و آموزش عالی در مقیاس جهانی مطرح شده است. مفهوم موج سومی علم، علم کوچک- علم بزرگ، دانش جهانی- محلی، انحصارزدایی از دانشگاه‌ها، توسعه الگوهای توضیحی مربوط به علم، دانش کارآفرین، «صنعت- بازار» دانش، چون فرایندی اجتماعی، ازجمله مقوله‌ها و مسائل مطرح‌شده هستند. روندهای محیطی و پیامدهای سیستمی، نسبت سازمانی آموزش عالی با آموزش‌وپرورش، امکانات محیطی آموزش عالی برای آموزش‌وپرورش در جهت حرکت به سمت ارتقای سطح نیروی انسانی و تحول به سازمان یادگیرنده در توسعه دانایی‌محور نیز از سوی این تیم پژوهشی مورد کنکاش و تحلیل قرار گرفته است. در این تحقیق، ضمن اشاره به سهم آموزش‌وپرورش در پوشش آموزش عالی کشور، کمیت و کیفیت و نقش و جایگاه آموزشکده‌های فنی- حرفه‌ای، مراکز تربیت دبیر و تربیت معلم، قطب‌های علمی دانشگاهی، انجمن‌های علمی و تخصصی، کشش‌پذیری محیط آموزش عالی نسبت به آموزش‌وپرورش، نقش آموزش عالی در فرایند اندوختن سرمایه فرهنگی از سوی دانش‌آموزان، روندهای خصوصی‌سازی آموزش عالی و نظام آموزش حوزوی، تجزیه و تحلیل و موشکافی شده است.